

<div></div>	<div>خبر</div>
---------------------------------------	-----------------------

ماجرای شب‌نامه علیه هاشمی به روایت مشاور سابق

● **فراز:** غلامعلی رجایی، مشاور سابق هاشمی‌رفسنجانی در سالگرد فوت رئیس سابق مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره اینکه چطور احمدی‌نژاد که زمانی طرفدار هاشمی بود، یکباره علیه او شد، گفت: احمدی‌نژاد از بخشداری ماکو شروع کرده بود و بعدش هم که استان تازه‌تاسیس اردبیل مطرح شد، ابتدا فرماندار بود و سپس استاندار شد. من از وزیر کشور پرسیدم که شما چگونه او را استاندار نمونه معرفی کردید؟ او گفت که من فکر را استاندار نمونه معرفی نکردم، چند نفر را معرفی کردم. اما چون اردبیل استان تازه‌تاسیسی بود و او در راهدان‌از این استان، فعال بود، به این دلیل او را استاندار نمونه معرفی کردم. در ضمن احمدی‌نژاد، رئیس ستاد انتخاباتی آقای هاشمی در شهر تهران بود. نقط‌هایش و تصویب‌های ضبط‌شده هست. او ابتدا سمپاتی و هواداری و ارتباط را داشت. حالا بعداً مسائلی پیش آمد که می‌شود به آن پرداخت. آقای هاشمی، احمدی‌نژاد را طرف خودش نمی‌دانست. احمدی‌نژاد تلاش کرد خودش را در یک معادله دوقطبی با آقای هاشمی مطرح کند. من خبری از یکی از اطرفیان در آن زمان شنیدم که می‌گفتند آقای هاشمی شب‌نامه توزیع کرده و یک‌سری آدم شل‌حجاب و بدبجاب را با تیکت هاشمی در خیابان کرده‌اند بودند. اینها را گرفتند و مشخص شد که اینها به جایی وصل هستند. این ماجرا سی‌دی داشت. سی‌دی را آوردند و از هاشمی خواستند که در آخرین نقشش در تلویزیون بگوید که از جمله چیزهایی که علیه من پخش می‌شود، این نمونه‌اش است. و ما هرچه از پشت دوربین به او اشاره کردیم که به سی‌دی اشاره کند، او توجهی نکرد. من گفتم که شما با استفاده ازاین سی‌دی هم می‌توانید رای جمع کنید و هم جریانات دیگر را رو کنید. گفت که من نمی‌خواستم به خاطر رأی آوردن خودم، جایی را خراب کنم. به‌رحال آقای هاشمی معتقد بود که احمدی‌نژاد یک جریان انحرافی ایجاد کرده و روحانیت هم فریب او را خورده و متوجه نشده که احمدی‌نژاد به آنها اعتقادی ندارد. که در عمل هم نشان داده شد. معتقد بود که اصل قضیه مشائنی نیست که می‌گویند این گوشش به دهان اوست، برعکس بود. مشائنی است‌که تابع احمدی‌نژاد است. یک مثالی می‌زد آقای هاشمی در مورد احمدی‌نژاد. بحث می‌شد که این چه جور آدمی است که کشور دست اوست، چقدر از برنامه اجرا می‌شود یا چقدر از بودجه محقق شده؟ می‌گفت چیزی که خودشان می‌گویند هول‌وحوش ۲۰ تا ۲۵ درصد محقق شده. خوب اینکه دیگر دولت نمی‌خواهد! مثال می‌زد که در روستای ما در بهرمان کسی بود به نام اوس مهدی که کارش تعمیر دوچرخه بود. یک روزی یک موتوری که از آنجا رد می‌شد، خراب شد و نمی‌توانست برود. به او گفتند اوس مهدی هست که دوچرخه تعمیر می‌کند. اوس مهدی آمد موتور را باز کرد و دل و روده موتور را روی زمین پهن کرد و گفت خیلی خوب من کار خودم را کردم گفتند خوب ببند. گفت نه دیگر من همین‌قدر ازم برمیدار. الان احمدی‌نژاد هم همین‌طور است. کشور را به قول آقای جهانگیری به لب پرتگاه برده و جایی هم گفته ند کشور را از پرتگاه انداخته پایین! چون احمدی‌نژاد به بعضی کشورها سفر می‌کرد و کسی به استقبالش نمی‌آمد. رشت رفته بود. تا چند ساعت کسی نیامد.

رجایی افزود: ما در سال‌های ۹۴ یا ۹۵ بود که رفته بودیم کرمانشاه یک‌جمعی بودند. ۱۲۰ نفری بلند شدند شروع کردند به گفتن مرگ بر آمریکا که اصلا ربطی به آن جلسه نداشت که هاشمی درباره شهید اشرفی‌افغانی درحال تحلیل بودند. من حتی بلند شدم شمردم که در میان جمعیت هزارنفری اینها چندنفر هستند. شاید ۱۳ نفر بودند. آقای هاشمی مکت کرد، تا اینها شعارشان تمام شود، خواستند ادامه بدهند، اینها دوباره شروع کردند به شعاردادن. هاشمی گفت خیلی خوب، چرا تکرار می‌کنید؟ یک بار شعار دادید بنشینید. البته خود مردم کرمانشاه در جواب شعاردادن مرگ بر منافق، ولی اینها با شعارهایشان مردم را خفه کردند. آقای هاشمی ساکت ماند و خود را کنترل کرد و اتفاقی هم نیفتاد و بحث بالاخره تمام شد. آقای هاشمی می‌گفت اینها ویروس هستند. فرط‌افق‌ها، بدون اینکه فرد خاصی را مدنظر داشته باشند، و از هر دو طرف هم هستند. یعنی اینها رحم نمی‌کردند که الان سالگرد یک پیرمرد نورانی شهیدشده توسط منافقین است و فردی مانند هاشمی آمده درباره عظمت این آدم صحبت کند.

فرمانده یگان ویژه فرماندهی انتظامی کشور اگر در ناآرامی‌ها دست یگان ویژه اسلحه دیدید جایزه می‌دهم

● **تسنیم:** سردار حسن کرمی، فرمانده یگان ویژه فرماندهی انتظامی کشور، گفت: در حوادث اشفهان ما به نرمی برخورد کرده‌ا، به جمعیت گفت‌وگو کردیم و اخطار دادیم؛ اما به هر حال تبلیغات دشمنان وسیع است. اگر کسی در ناآرامی‌های اجتماعی در دست یگان ویژه پلیس اسلحه جنگی ببیند، من به او جایزه خواهیم داد. ما اصلا در ناآرامی‌های اجتماعی با خود سلاح جنگی نمی‌بریم.

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: مقام معظم رهبری صبح یکشنبه در دیدار تصویری با جمعی از قشرهای مختلف مردم قم، قیام تاریخی ۱۹ دی ۱۳۵۶ قم را نشان‌دهنده «عمق اعتقاد دینی» و «غیرت دینی همراه با عقلانیت» خواندند و با اشاره به کینه عمیق آمریکا به نظام برخاسته از اعتقادات ملت ایران گفتند: باید با درک وظیفه کنونی، با امید و وحدت و قدرت به سمت چشم‌انداز روشن آینده حرکت کنیم که در این مسیر مسئولان نیز باید با تقویت و تکمیل ابعاد مردمی، تلاش‌های مشهود خود را برای حل مشکلات گسترش دهند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به محوریت ایجاب حرکتی سلسله‌وار در شهرهای مختلف و در نهایت پیروزی انقلاب خواندند و افزودند: این‌گونه حوادث که مضامین قسوی و پیام‌های بزرگی برای نسل‌های آینده دارند، نباید در غبار فراموشی کمرنگ شوند.

ایشان افزودند: حادثه ۱۹ادی و دنباله‌های سیاسی- اجتماعی آن، نشان‌دهنده عمق اعتقادات دینی مردم بود؛ زیرا اگر امام به‌عنوان یک مرجع تقلید و عالم دینی در مرکزیت آن نبود، هیچ شخص و جریان دیگری نمی‌توانست ملت را شهر به شهر به خروش و قیام وادارد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به محوریت علمای دینی شجاع و سیاست‌شناس در اغلب حوادث تاریخی و اجتماعی ۱۵۰ سال اخیر ایران ازجمله قضیه تنباکو، نهضت مشروطه، حادثه گوهرشاد، قیام ۳۰ تیر و قیام ۱۵ خرداد گفتند: عناصر بانفوذ ممکن است شماری از مردم را به حرکت درآورند، اما به موج درآورند اقیانوس عظیم ملت در مقابل استعمار

و استکبار و دنباله‌های آنها، فقط کار عالم و مرجع دینی است و از همین جا می‌توان راز دشمنی عمیق مستکبران را با دین، علمای دینی، علمای سیاسی، فقه

سیاسی و اسلام سیاسی دری کرد.
ایشان با اشاره به کسانی که شعار «مرگ بر آمریکا» را علت خصومت همیشگی استکبار با جمهوری اسلامی می‌دانند، افزودند: آمریکا از بُن ندانن با نظام اسلامی دشمن است؛ زیرا این نظام را برخاسته از دین و مظهر اعتقادات دینی ملت می‌داند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای غیرت دینی را از دیگر عوامل قیام ۱۹ دی برشمردند و گفتند: برخی تلاش و تبلیغ می‌کنند که غیرت دینی را بی‌منطقی و خشونت «بنامند، اما حقیقت این است که غیرت دینی همراه با عقلانیت و برخاسته از بصیرت است و بصیرت نیز شعبه و مظهری از عقلانیت است.

ضمن اینکه در عمل نیز در اغلب موارد، غیرت دینی با عقلانیت همراه بوده است.
ایشان محبینی(رض) را مظهر کامل غیرت دینی همراه با عقلانیت و خردمندی دانستند و افزودند: شاگرد شایسته امام، آیت‌الله مصباح نیز هم در غیرت دینی در اوج بود و هم در عقلانیت یک فیلسوف به معنی واقعی کلمه بود.

مقام معظم رهبری تصمیم رژیم طاغوت برای چپ‌مقاله موهن درباره امام در یکی از روزنامه‌ها در تصمیمی بر اساس محاسبه و نقشه خواندند و گفتند: طاغوت با درک نفوذ روزافزون امام در مردم، می‌خواست جایگاه انگیزه‌بخش و انرژی‌بخش ایشان را تزلزل دهد و مرکزیت نهضت را از بین ببرد و اگر

سیاست

مقام معظم رهبری خطاب به دولت تأکید کردند

باید به وعده‌ها در موعد خود عمل کرد



مشث محکم مردم قم در ۱۹ دی ۵۶ به سینه طاغوت نمی‌خورد، این حرکت را در شکل‌های مختلف ادامه می‌داد.

مقام معظم رهبری با اشاره به پشت‌گرمی طاغوت به حمایت واشنگتن و سخنان کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در ۱۰ دی ۵۶ در تهران افزودند: کارتر بر اساس محاسبات غلط آمریکایی‌ها که همچنان ادامه دارد،

ایران پهلو ی را «جزیره ثبات» نامید، اما قیام مردم قم و سلسله‌قیام‌های بعد از آن، به‌گونه‌ای نقشه محاسباتی رژیم و آمریکا را بر هم زد که کارتر مجبور شد سال ۵۷ ژنرالی به نام هایزر را به ایران فرستد تا با کشتار، کودتا یا هر روش دیگر، نهضت اسلامی ملت ایران را سرکوب کند که به فضل الهی ناکام ماند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به شهادت رساندن سردار سلیمانی را نمونه دیگری از استمرار محاسبات غلط آمریکایی‌ها دانستند؛ افزودند: تئوریست‌ها می‌خواستند حجاج قاسم را به‌عنوان نماد حرکت عظیمی که نماینده‌اش بود از بین ببرند، اما حرکت عظیم و ابراز ارادت و دحمت عمومی ملت ایران و مردم کشورهای

دیگر در دومین سالگرد شهادت سردار، به‌عنوان یک حرکت عظیم ناشی از دست قدرت خداوند، نشان داد دستگاه محاسباتی آمریکایی‌ها حقا و انصافا معیوب و خراب است.

مقام معظم رهبری با اشاره به گذشت ۴۳ سال از روزهای پرشکوه پیروزی انقلاب و برپایی نظام مردم‌سالاری دینی، وظیفه یک ملت زنده را عبرت‌گرفتن از گذشته، شناخت وظایف کنونی و تعیین چشم‌انداز و گام‌های استوار برای حرکت پرقدرت به سمت آن چشم‌انداز دانستند و افزودند: این‌وظیفه‌دانی و آینده‌شناسی موجب کامیابی و پیروزی نهایی یعنی حیات طیبه ملت ایران و تأمین دین، دنیا و رفاه روحی و جسمی برای ملت خواهد شد.

ایشان با ابراز خرسندی از گسترش فکر و عمل جوانان مؤمن و حزب‌اللهی در سراسر کشور گفتند: برخی اظهارنظرها و گزارش‌ها گویای حقیقت ملت نیست و باطن و احساسات واقعی مردم را باید در مسائلی همچون تشییع شهید سلیمانی تکرر کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه چند تذکر مهم خطاب به مردم و مسئولان برای حفظ نشاط و حرکت رو به پیشرفت انقلاب اسلامی بیان کردند.

ایشان «غیرت دینی» را عامل نجات کشور در

انقلابی بوده و هر جا کار زمین مانده، پای فرصت‌طلبی، فساد، اشرافی‌گری و نگاه‌های غیرانقلابی در میان است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تذکری دیگر، همگان را به «حفظ وحدت و انسجام ملی» فراخواندند و تأکید کردند: البته درخصوص بعضی‌که در مقابل انقلاب می‌ایستند، انقلاب چاره‌ای جز ایستادگی ندارد، اما نباید «اختلاف نظر و سلیقه» به جبهه‌گیری در مقابل یکدیگر، تضعیف امید و مخدوش‌شدن انسجام عمومی منجر شود.

ایشان با اشاره به تخصص برخی دشمنان انقلاب در سیاست «ترقیه بینداز و حکومت کن» و تلاش آنها برای ایجاد اختلاف‌های مذهبی و درگیرکردن شیعه و سنی افزودند: نباید اجازه داد این مسائل در کشور اتفاق بیفتد و اوج بگیرد، همچنان که قرن‌هاست شیعه و سنی در کشور در کنار یکدیگر و بدون درگیری و اختلاف زندگی کرده‌اند؛ بنابراین نباید برای اختلاف‌ها بهانه‌ای به وجود بیاید که خوشبختانه نیز به وجود نیامده است.

مقام معظم رهبری افزودند: حلاک یک کسی حرف غلطی می‌زند و یک نفر هم احساس تکلیف می‌کند، اما این مسائل را نباید ادامه داد و همه باید انسجام عمومی را حفظ کنند.

ایشان جمهوری اسلامی ایران را مظهر اسلام و حاکمیت امت اسلامی خواندند و با اشاره به اظهار علاقه و تعصب اهل سنت در کشورهای مختلف به جمهوری اسلامی گفتند: مراسم‌های عظیم تجلیل از شهید سلیمانی در کشورهای اسلامی نمونه‌ای از این علاقه و تعصب و پشتیبانی امت اسلامی از جمهوری اسلامی از شرق آسیا تا غرب آفریقااست.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در توصیه بعدی، با تأکید بر لزوم تقویت امید به آینده گفتند: جوان امیدوار، بهتر کار و تلاش و تحقیق می‌کند. البته تقویت امید فقط با حرف‌زدن نیست و مسئولان باید با کار و تلاش خود که امروز بحمدالله به آن مشغول هستند، دل جوانان را از امید لبریز کنند.

ایشان با اشاره به مکتوم‌ماندن موفقیت‌های جمهوری اسلامی در عرصه‌های گوناگون افزودند: با وجود مشکلات اقتصادی و معیشتی، به‌خصوص برای طبقات ضعیف و مشکلاتی همچون مشکلات بانکی و مالیاتی، جمهوری اسلامی دستاوردهای مهمی در بخش‌های مختلف داشته که باید برای مردم و کسانی که فقط با بیان مشکلات از این موفقیت‌ها غافل هستند، بیان شود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تحسین گرایش مردمی و محسوس دولت، تقویت و تکمیل این حرکت را ضروری خواندند و افزودند: باید به وعده‌ها نیز در موعد خود عمل کرد و اگر به هر دلیلی اوضاع وعده ممکن نشد، صریح و صادقانه برای مردم توضیح داد.

ایشان ایجاد سازوکاری برای استفاده از دیدگاه‌ها و شیوه‌های پیشنهادهی صاحب‌نظران، متخصصان و مردم و بررسی چگونگی استفاده از مشارکت‌های مردمی را در اقدامات دولت لازم دانستند و به دولت‌مردان توصیه کردند از ظرفیت‌های مردمی برای نظارت عمومی بر مسائلی نظیر فساد و ویژه‌خواری نیز استفاده کنند.

مقام معظم رهبری در پایان سخنانشان تأکید کردند: مسئولان با همه وجود برای مردم کار کنند و با نیت خالص، کار و تلاش محسوس فعلی را گسترش دهند تا خرابداند این تلاش‌ها را هر چه بیشتر بربرکت گردانند.

<div></div>	<div>ادامه از صفحه اول</div>
---------------------------------------	-------------------------------------

روحانی «اصولگرا»

او همچون پیامبرش «طبیعی دژاره» بود و البته هیچ‌گاه تواضعش به او اجازه نمی‌داد که ادعای طبیعی کند!

۲- نمی‌دانم «حسینی‌امین» آرا و آثار «جان رالز»، «فیلسوف عدالت» را خوانده بود یا نه؛ ولی همین‌قدر می‌دانم که او «روحانی عدالت» بود. هیچ‌گاه از مشی عدالت‌طلبی بی‌رون نرفت. او هم مدعی عدالت بود و هم در حد بضاعتش، در جهت عدالت گام عملی برمی‌داشت. سراسر زندگانی‌اش را به پای «عدالت» ریخت. اندوخته و ثروتی نداشت و اگر چیزی از عرق جبین و کذ یمین تحصیل می‌کرد، عمده‌اش را نثار عدالت می‌کرد. در جنوب شهر زندگی می‌کرد و در آنجا آسمانی شد تا همواره همراه با نیازمندان و مستمندان باشد و از جان و دل خویش و نیز با بهره‌گیری از روابطش به داد آنها برسد. هیچ خواسته‌ای را بی‌پاسخ نمی‌گذاشت و همگی را به فرجامی مطلوب می‌رساند. دلسوزی‌هایش مثال‌زدنی بود. به‌راستی باور داشت که: «تاوانی به جهان خدمت محتاجان کن/ به دمی یـا درمی یا قلمی یا قدمی».

۳- «حسینی‌امین»، «قلیل المؤونه و کثیرالمعونه» بود. خطبه امام علی (ع) به «همام» را نصبالعین خود داشت. مؤمنی نبود کم‌مصرف برای خود و برنمفتت برای دیگران.

۴- «حسینی‌امین» حق‌طلب بود و صدالبته «خودخو‌بندهار» نبود و نمی‌پذیرفت که «الحق لمن عَلمَ». او جست‌وجوگر حقیقت بود و یکی از شاخص‌های «ایصال به حق» را در قضاوت نخبگان و متخصصان می‌دانست. چنانچه متخصصان (و نه مدعیان تخصص و نه منتخضصانی که با بهره‌گیری از رانت، نام متخصص بر آنها حمل شده است)، بر سر «حق‌بودن» یک موضوع، تأکید و اجماع کنند، آن را «حق» می‌دانست و برای احقاق آن، سسر از یا نمی‌شناخت «لو بلغ ما بلغ». بسیاری از نزدیکان و دوستانش به این امر واقفانه و آگاه از درسرها و آلام و ناسیاسی‌هایی که بر سر این روحانی بی‌ادعا و منصف فروریخت.

۵- «حسینی‌امین» از هیچ‌کس کینه‌ای به دل نگرفت. از نماز بدون «حق‌الصلوه»‌اش در مسجد محله منعش کردند، شکوه نکرد؛ از محل کارش اخراج کردند، اعتراض نکرد. به کوشه‌ای در کتابخانه ملی ایران خزید و نکفت مریضت به موقعیت من بالتر از این باید باشد؛ مشکوکش پنداشتند، خرید و وقتی به شک شکاکان و طعن طاعنان نتهاد؛ چراکه او همچون پیامبرش «کثیر صمته» و «مشغول وقت» بود. خاموشی را بر واکنش‌های کلامی ترجیح می‌داد و به‌قدری در مطالعه و نگارش و تحقیق غوطه‌ور بود که فرصتی برای مواجهه با مدعیان نداشت. این را طردالیاب عرض کنم که در روزهای واپسین زندگی‌اش، کتب مختلفی، از جمله کتاب‌ها و دست‌نوشته‌هایش را در اتاق خود پهن کرده بود و می‌گفت: در جامعه ما، از نگاه جوانان، اسلام مساوی شده است با خرافات. باید در این زمینه کار عمیق پژوهشی کرد و اسلام را از چپره، رانده‌های کتابخانه، نیک‌اندیشی، دلسوزی، مهربانی و خلوص «حسینی‌امین» زبانزد خاص و عام بود. کافی بود برای نخستین‌بار با او آشنا شوی. نخستین دیدار، همان بی‌بردن به این فضیلت‌ها در وجود این شخص نازنین، همان! او همچون استادش، حضرت آیت‌الله‌العظمی منتزهی‌طاب ثراه -بر کرامت آسانی» پای می‌فشد

و این موضوع از مناطق و معیار و ملاک بسیاری از احکام می‌دانست. در عمل نیز همگان را تکریم می‌کرد؛ اعم از کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان، باسواد و بی‌سواد، موافق و مخالف… به یاد دارم پس از چند سالی که از بازنشستگی‌اش از کتابخانه ملی ایران سپری شده بود، با یکدیگر در راهروهای کتابخانه، عازم جلسه‌ای بودیم. هنگام عبور از مقابل اتاق‌ها، بسیاری از کارکنان از اتاق‌های خود بیرون می‌آمدند و به سوش می‌شناختند تا با او احوال‌پرسی کنند و در احوال‌پرسی، زن و مرد از هم بیشتی می‌گرفتند. همین صحنه، تابولوی را در ذهن نگارنده ترسیم کرد که نشان می‌دهد «حسینی‌امین» یکی از «سرمایه‌های نامدین» کتابخانه ملی بود. جالب است که این مرد، هیچ‌گاه اجزای نه‌ی‌داد که کسی «مرد» و «مسترشد»‌ش شود. از «مردپیروزی» به‌سختی دوری می‌ورزید. شاید تبسم دائمی‌اش، شوخ‌طبعی‌اش، بی‌تکلی‌اش و برخی تکیه‌کلام‌هایش، نشانه‌هایی هم‌زمانه‌باشد از اختراش از «دن‌کن مریدپیروزی».

۷- «حسینی‌امین»، محقق‌ی منصف و امانت‌دار بود و درعین‌حال کشنگری اخلاق‌مدار، عمر خود را برای وصل‌کردن گذاشت و همواره یادآور خوبی‌های این‌ و آن بود و از ذکر بدی‌ها برهیز می‌کرد. پارسایی‌اش در آثار نوشتاری‌اش و در رفتارهایش به‌خوبی هویداست. بیشتر معاشران «حسینی‌امین» می‌توانند شهادت دهند که با وجود تبسم‌ها و مزاح‌ها و شوخ‌طبعی‌هایش، حزنی نهفته در دل داشت و مصداق کلام مولا علی (ع) در خطبه همام بود که «قولوبهم محزونه و شوروهم مامونه». به‌راستی، چرا حسینی‌امین حزن و اندوه داشت؟! - آیا دنیا برای این سید بزرگوار، تنگ بود و در سجنی مسجون بود که نمی‌توانست پرواز کند؟! - آیا در اظهار ما فی الضمیرش واژگان کم آورده بودند و همچون عارفان و سالکان، به «ضیق خناق» گرفتار شده بود؟! - آیا از تضییع حقوق اشخاص گله‌مند بود؟! - آیا از فراز و فرود احوال و ایام شکوه داشت؟!

ادامه در صفحه ۴